



Paper type: Research Article

The Relationship between Abnormal Audit Fees and Real Income Smoothing with Emphasis on the Role of Ownership Structure

Farideh Mortazavi Ghorbani¹, Rasoul Baradaran Hasanzadeh^{*2}

Received: 2025/07/07

Accepted: 2025/08/20

Abstract

Objective: Given the concerns of investors regarding real income smoothing, this study examined the relationship between abnormal audit fees and real income smoothing, with an emphasis on the role of ownership structure.

Method: This study in terms of target is applied and the method is ex post facto research. The sample used in our research includes 101 firms listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2017-2023. In this study, to measure the abnormal audit fees, from the Simunic (1980) model, according to the research of Cohen and Zarvin (2008), the combination of three measures of abnormal operating cash flow, abnormal production, and abnormal discretionary expenses were used to measure real income smoothing and to measure the ownership structure, the indicators of institutional ownership, managerial ownership, and concentration of ownership were used. In this study to test the hypothesis logistic regression is used.

Findings: The results of this study show that there is a positive and significant relationship between abnormal audit fees and real income Smoothing. Also, the results of this study show that institutional ownership, managerial ownership, and concentration of ownership have a negative and significant impact on the relationship between abnormal audit fees and real income smoothing.

Conclusion: As the amount of institutional ownership, board members' ownership and ownership concentration increases, the positive relationship between auditor's abnormal fees and real profit smoothing weakens.

Keywords: Abnormal Audit Fees, Real Income Smoothing, Ownership Structure.



10.71600/jacgr.2025.1211277



How to cite this article: Mortazavi Ghorbani, F., & Baradaran Hasanzadeh, R. (2025). The Relationship between Abnormal Audit Fees and Real Income Smoothing with Emphasis on the Role of Ownership Structure. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(10), 19-37. (In Persian)

¹. MSc. Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

². Associate Prof, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author: baradaran313@iaut.ac.ir



نوع مقاله: علمی پژوهشی

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی با تاکید بر نقش ساختار مالکیت

فریده مرتضوی قربانی^۱، رسول برادران حسن‌زاده^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

چکیده

هدف: با توجه به دغدغه سرمایه‌گذاران درباره هموارسازی واقعی سود، این پژوهش به بررسی ارتباط بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی، با تأکید بر نقش ساختار مالکیت پرداخت.

روش: پژوهش حاضر با هدفی کاربردی انجام شده و جامعه آماری آن، شامل ۱۰۱ شرکت ثبت شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ است. در این پژوهش برای سنجش حق الزحمه غیرعادی حسابرِس از مدل سایمونیک (۱۹۸۰)، برای اندازه‌گیری هموارسازی سود واقعی مطابق پژوهش‌های کوهن و زاروین (۲۰۰۸) از ترکیب سه معیار جریان نقدی عملیاتی غیرعادی، تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی و برای اندازه‌گیری ساختار مالکیت از شاخص‌های مالکیت نهادی، مالکیت اعضای هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این مطالعه، بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار میان حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که مالکیت نهادی، مالکیت اعضای هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت بر ارتباط بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی تاثیر معنادار و منفی دارد.

نتیجه‌گیری: با افزایش میزان مالکیت نهادی، مالکیت اعضای هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت، ارتباط مثبت بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی، تضعیف می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه غیرعادی حسابرِس، هموارسازی سود واقعی، ساختار مالکیت.



10.71600/jacgr.2025.1211277



استناد: مرتضوی قربانی، فریده؛ برادران حسن‌زاده، رسول (۱۴۰۳). رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی با تاکید بر نقش ساختار مالکیت. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۱۰)، ۱۹-۳۷.

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. *نویسنده مسئول: Baradaran313@iaut.ac.ir

مقدمه

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی توجه شایانی را در پژوهش‌های حسابداری و مالی به خود جلب کرده است. حق الزحمه غیرعادی حسابرِس، که حق الزحمه‌ای است که به حسابرسان پرداخت می‌شود و از آنچه که معمولاً با توجه به ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های حسابرسی یک شرکت انتظار می‌رود منحرف می‌شود، اغلب نشان‌دهنده خطر بالاتر یا وجود شیوه‌های مالی تهاجمی است (هریبار و همکاران^۱، ۲۰۱۴). زمانی که حسابرسان حق الزحمه‌های غیرمعمول بالایی را دریافت می‌کنند، می‌تواند نشان‌دهنده افزایش ریسک حسابرسی یا نیاز به تلاش حسابرسی اضافی به دلیل بی‌نظمی‌های مشکوک در رویه‌های مالی شرکت باشد. یکی از این روش‌های نامنظم هموارسازی سود واقعی است که در آن مدیران فعالیت‌های تجاری واقعی مانند تنظیم سطوح تولید یا تغییر زمان‌بندی هزینه‌ها را دستکاری می‌کنند تا درآمدها را هموار کنند و عملکرد مالی پایدارتری را در طول زمان ارائه دهند. در حالی که این عمل ممکن است تغییرهای قیمتی را کاهش دهد و قابلیت پیش بینی نتایج مالی را افزایش دهد، همچنین می‌تواند سلامت مالی واقعی و عملکرد عملیاتی یک شرکت را پنهان کند (گانی^۲، ۲۰۱۰).

ساختار مالکیت نقش مهمی در پویایی حق الزحمه حسابرسی و هموارسازی سود ایفاء می‌کند. انواع مختلف مالکان (مانند سرمایه‌گذاران نهادی، مالکان خانواده، یا نهادهای دولتی) انگیزه‌ها و سطوح نفوذ متفاوتی بر رفتار مدیریتی دارند، از جمله مدیریت سود و شیوه‌های حسابرسی (فان و وانگ^۳، ۲۰۰۲). به عنوان مثال مالکیت متمرکز که در آن گروه کوچکی از سهامداران بخش قابل توجهی از سهام را در اختیار دارند، ممکن است منجر به نظارت دقیق‌تر و تحمل کمتری برای روش‌های هموارسازی سود تهاجمی شود. این مالکان معمولاً بیشتر درگیر اداره شرکت هستند و می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌های مدیریتی داشته باشند. برعکس مالکیت پراکنده که در آن سهام بین بسیاری از سهامداران کوچک پراکنده شده است. می‌تواند منجر به نظارت ضعیف‌تر شود و به مدیران اجازه می‌دهد به دلیل فقدان تلاش‌های نظارتی منسجم، در چنین شیوه‌هایی مشارکت کنند (شلیفر و ویشنی^۴، ۱۹۹۷).

درک اینکه چگونه ساختار مالکیت بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و هموارسازی سود واقعی تأثیر می‌گذارد، بسیار مهم است که بینش‌هایی در مورد اثربخشی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارش‌گری مالی ارائه می‌دهد. برای مثال در بازارهایی با مالکیت متمرکز، همسویی منافع بین سهامداران عمده و مدیران ممکن است احتمال هموارسازی سود را کاهش دهد. در حالی که در بازارهایی با مالکیت پراکنده، فقدان نظارت قوی می‌تواند به افزایش شیوه‌های هموارسازی سود منجر شود. این مطالعه به دنبال بررسی این تأثیر متقابل است و بررسی می‌کند که چگونه ساختارهای مالکیت متفاوت بر میزان مشارکت شرکت‌ها در هموارسازی سود واقعی در پاسخ به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرِس تأثیر می‌گذارد. با انجام این کار به درک گسترده‌تر حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارش‌گری مالی کمک می‌کند.

این مطالعه به دو دلیل عمده به گسترش ادبیات پژوهشی در ایران کمک می‌کند. اول: با تمرکز بر ویژگی‌های منحصر به فرد حاکمیت شرکتی و محیط‌های حسابرسی ایران که به‌طور قابل توجهی با محیط‌های غربی متفاوت است، به شکاف موجود در پژوهش‌ها می‌پردازد. بازار ایران دارای ساختارهای مالکیتی خاصی است که اغلب با مالکیت دولتی قابل توجه و شرکت‌های خانوادگی مشخص می‌شود. این امر می‌تواند شیوه‌های گزارش‌گری مالی را به‌طور متفاوت تحت تأثیر قرار دهد.

این ویژگی‌های منحصر به فرد بازار ایران، آن را به یک مورد جالب برای بررسی چگونگی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و هموارسازی سود تبدیل می‌کند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند بینش‌هایی درباره نحوه تعامل این ساختارهای مالکیت منحصر به فرد با شیوه‌های گزارش‌دهی مالی در ایران ارائه دهد. دوم: با بررسی تأثیر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و هموارسازی سود واقعی در چارچوب ایران، این مطالعه بینش‌های محلی را ارائه می‌کند که می‌تواند سیاست‌گذاری و بازنگری در حاکمیت شرکتی را با هدف بهبود شفافیت مالی و حمایت از سرمایه‌گذار در ایران اطلاع‌رسانی کند.

1. Haribar et al.
2. Gunny
3. Fan & Wong,
4. Shleifer & Vishny

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی با...

بازار ایران با محیط نظارتی و اقتصادی متمایز خود، چالش‌ها و فرصت‌های متفاوتی را نسبت به بازارهای توسعه‌یافته‌تر ارائه می‌دهد. درک این تفاوت‌ها برای توسعه سیاست‌های موثری که کیفیت گزارش‌گری مالی و حاکمیت شرکتی را در ایران افزایش می‌دهد، ضروری است. هدف این مطالعه ارائه شواهد تجربی است که می‌تواند از این تلاش‌های سیاست‌گذاری حمایت کند و به ایجاد یک محیط تجاری شفاف‌تر و پاسخگوتر کمک کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به‌منظور حمایت بیشتر از استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی و تضمین کیفیت بالای اطلاعات منتشر شده توسط شرکت، حسابرسان مستقل که از طریق انتخاب مجامع عمومی صاحبان سهام تعیین می‌شوند، با بررسی دقیق اسناد، مدارک و شواهد پشتیبان صورت‌های مالی، تقلب‌ها و سوء جریان‌های احتمالی که تأثیر مستقیم بر صورت‌های مالی دارند را شناسایی نموده و نسبت به صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیران، اظهار نظر حرفه‌ای ارائه می‌دهند. علاوه بر این، فرایند حسابرسی از طریق اعتباربخشی به صورت‌های مالی موجب افزایش قابلیت اتکاء به اطلاعات گزارش شده و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران می‌شود (ابد و همکاران^۱، ۲۰۱۴).

در همین زمینه، بررسی‌هایی در نشریه پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی منتشر شده‌اند که به جنبه‌هایی از حق الزحمه حسابرسی و ساختار مالکیت، به‌عنوان محورهای مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته‌اند. عابدی صدقیانی و کیانی (۱۴۰۳)، در پژوهش خود نشان دادند که قابلیت مقایسه داده‌های حسابداری، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان حق الزحمه حسابرسی و زمان گزارش‌دهی ایفاء می‌کند. یافته‌های آنها نشان داد که افزایش قابلیت مقایسه، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، موجب ارتقای کیفیت گزارش‌گری مالی می‌شود.

شاهزاده حمزه و برهانی (۱۴۰۳)، با تمرکز بر ویژگی‌های هیئت‌مدیره، به این نتیجه رسیدند که عواملی نظیر استقلال اعضاء، تخصص مالی و تجربه مدیریتی، می‌توانند رابطه میان موارد کلیدی حسابرسی و حق الزحمه دریافتی را تحت تأثیر قرار دهند. این پژوهش بر اهمیت ساختار راهبری شرکتی در فرآیند حسابرسی تأکید دارد.

بختیاری و همکاران (۱۴۰۳)، در مطالعه‌ای پیرامون ساختار مالکیت شرکت‌ها، نشان دادند که نوع مالکیت، به‌ویژه مالکیت بلوکی و نهادی، نقش مؤثری در تعیین سیاست‌های مالی و رفتارهای مدیریتی ایفاء می‌کند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ساختار مالکیت می‌تواند بر نحوه تعامل با حسابرسان و میزان حق الزحمه پرداختی اثرگذار باشد.

بندریان و عسجری (۱۴۰۴)، نشان دادند که ساختار مالکیت و سازوکارهای نظارتی مؤثر نقش مهمی در مهار هموارسازی سود واقعی دارند. همچنین یافته‌های آنان بر اهمیت نظارت حسابرس در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه تأکید دارد.

یکی از مواردی که بین صاحب‌کار (واحد مورد رسیدگی) و مؤسسه حسابرسی ایجاد تضاد می‌کند، حق الزحمه حسابرسی است. مبلغی که بر اساس مفاد قرارداد یا توافق، بابت خدمات حسابرسی به حسابرس یا مؤسسه حسابرسی پرداخت می‌گردد، با عنوان حق الزحمه حسابرسی شناخته می‌شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۰). حق الزحمه غیرعادی حسابرس، به تفاوت میان حق الزحمه واقعی پرداخت شده بابت حسابرسی صورت‌های مالی و سطح متعارف حق الزحمه‌ای اطلاق می‌شود که انتظار می‌رود بابت چنین خدماتی پرداخت گردد (موسا و همکاران^۲، ۲۰۲۱). در این میان حق الزحمه حسابرسی از جمله مباحث مهمی است که ذهن حسابرس و صاحبکار را به خود مشغول می‌سازد و لازم است درخصوص آن به‌صورت شفاف و روشن مذاکره شود. حق الزحمه غیرعادی حسابرس از عواملی است که می‌تواند بر هموارسازی سود واقعی شرکت‌ها تأثیرگذار باشد.

کوشوا و همکاران^۳ (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «معامله با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرس» به این نتیجه رسیدند که معامله با اشخاص وابسته موجب افزایش ریسک و حق الزحمه حسابرس می‌گردد.

1. Abad et al
2. Musah et al
3. Kushwaha et al

در بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس، جنتی‌فر و همکاران (۱۴۰۵)، نشان دادند که تبعیض قیمتی میان مشتریان بخش خصوصی و عمومی می‌تواند منجر به انحراف از سطح متعارف حق‌الزحمه شود؛ یافته‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز تحلیل نقش ساختار مالکیت در تعیین این حق‌الزحمه باشد.

بر اساس بند ۶ استاندارد شماره ۱، حسابداری ایران (ترجمه استاندارد بین‌المللی شماره ۱) هدف گزارش‌گری مالی، ارائه اطلاعات طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد اقتصادی و میزان انعطاف‌پذیری واحد تجاری است؛ اطلاعاتی که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مؤثر واقع شوند.

وجود اطلاعات مالی باکیفیت و قابل مقایسه، یکی از ارکان اساسی پاسخگویی و تصمیم‌گیری آگاهانه محسوب می‌شود و نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی ایفاء می‌کند. بدیهی است که اطلاعات مالی مطلوب، با تأثیر مثبت در تصمیم‌گیری‌ها، تخصیص بهینه منابع و ارتقای کارایی بازار، زمینه‌ساز رشد، توسعه و رفاه اجتماعی خواهد بود. مدیران اغلب به منظور گمراه ساختن سهامداران نسبت به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت، سود را هموارسازی می‌نمایند.

هموارسازی سود، تلاشی است که مدیریت واحد تجاری برای کاهش تغییرهای غیرعادی سود، در چارچوب اصول حسابداری و صلاح‌دید مدیریتی، انجام می‌دهد (براتی و حیدرزاده، ۱۴۰۰). این پدیده طی نیم‌قرن اخیر مورد توجه پژوهشگران حسابداری بوده و به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که با هدف کاهش تغییرهای دوره‌ای سود صورت می‌گیرد. پژوهشگران معتقدند مدیران برای نمایش تصویری باثبات از روند سودآوری، در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری، اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. (عمادی و خمیس آبادی، ۱۳۹۸). در این زمینه دو دیدگاه اصلی مطرح است. یک دیدگاه بر این باور است که هموارسازی سود منجر به پنهان‌کاری و تحریف اطلاعات مالی می‌شود، زیرا افراد درون‌سازمانی برای مخفی نگه داشتن رفتارهای خود و جلوگیری از مداخله عوامل بیرونی، اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند (تکسیرا و همکاران، ۲۰۲۳)، اظهار داشته‌اند که در کشورهایی با سطح پایین حمایت از سرمایه‌گذاران، مدیران سود را هموار می‌کنند تا عملکرد واقعی شرکت‌ها را پنهان ساخته و از منافع شخصی خود محافظت نمایند. گزارش‌دهی غیر واقعی سود، می‌تواند منجر به ارائه سودهای ساختگی شده و چالش‌هایی را در شرکت‌هایی با عملکرد ضعیف ایجاد نماید. دیدگاه دیگر هموارسازی سود را عاملی برای بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران تلقی می‌کند. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که سود باثبات و هموار ارائه می‌کنند. از این‌رو مدیران با هدف افزایش رفاه سهامداران و تأثیرگذاری بر قیمت سهام، انگیزه بیشتری برای اجرای رفتار هموارسازی سود پیدا می‌کنند. بر این اساس انتظار می‌رود بین حق‌الزحمه حسابرسی و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود داشته باشد. بر اساس تئوری نمایندگی، میزان تقاضا برای خدمات حسابرسی به تمرکز مالکیت شرکت وابسته است. شرکت‌هایی با مالکیت پراکنده به حسابرسان ماهر و متخصص نیاز دارند که بتوانند از منافع سهامداران دفاع کنند. مالکیت، به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های اصلی حاکمیت شرکتی، نقشی کلیدی در تعیین سیاست‌های مدیریتی و راهبردهای مرتبط با ارائه اطلاعات مالی دارد (شان و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به اینکه ساختار مالکیت یکی از سازوکارهای اصلی نظام راهبری شرکت‌ها محسوب می‌شود، حسابرسی حرفه‌ای نقش مهمی در اعتباربخشی گزارش‌های مالی ایفاء می‌کند.

اطلاعات مالی حسابرسی شده، ابزاری مؤثر برای کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، تقویت فرآیند تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، افزایش بازده دادوستد اوراق بهادار، و بهینه‌سازی ساختار سبد سرمایه‌گذاری اشخاص و نهادهای گوناگون محسوب می‌شود (کریشنن و همکاران، ۲۰۰۵).

یک ساختار مالکیت مطلوب، موجب افزایش اطمینان نسبت به نحوه استفاده از دارایی‌های شرکت می‌شود و همچنین منافع ذینفعان و جامعه‌ای که شرکت در آن فعالیت دارد، را در نظر می‌گیرد. تعاریف متعددی از ساختار مالکیت ارائه شده و واژه‌هایی همچون ترکیب سهامداری و ساختار مالکیت بکار گرفته شده‌اند. این اصطلاح به نحوه توزیع سهام و حقوق مالکیت، از منظر حق رأی، سرمایه، ماهیت و موجودیت سهامداران اشاره دارد.

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی با...

نقش سهامداران نهادی و تمرکز مالکیت آنان در حاکمیت شرکتی و حضورشان در شرکت‌ها، طی سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. در این زمینه دو دیدگاه اصلی در خصوص تأثیر سهامداران نهادی بر مدیریت سود مطرح شده است. دیدگاه نخست مربوط به سهامداران نهادی کوتاه‌مدت است که تمرکز آنها بر افزایش درآمدهای جاری سرمایه‌گذاران از طریق اعمال مدیریت سود است. در مقابل سهامداران نهادی بلندمدت، به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کاهش انگیزه‌های مدیریت سود تأکید دارند. این گروه از سهامداران، با تملک بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها، نقش مؤثری در جهت‌گیری تصمیم‌های سازمان ایفاء می‌کنند. از جمله در انتخاب رویه‌های حسابداری و نحوه گزارش‌دهی مالی. بر اساس نظریه جنسن و مک‌لینگ^۱ (۱۹۷۶)، مالکیت مدیریتی موجب کاهش مسئله نمایندگی میان سهامداران و مدیران می‌شود؛ زیرا با همراستا ساختن منافع این دو گروه، انگیزه‌هایی در مدیران ایجاد می‌کند تا کنترل مؤثرتری بر شرکت اعمال کرده و عملکرد مطلوب‌تری ارائه دهند. در تقسیم‌بندی ساختار سازمانی، سطح بالای مالکیت مدیریتی موجب کاهش فاصله میان مالکیت و مدیریت می‌شود؛ در نتیجه میزان عدم تقارن اطلاعاتی در این شرکت‌ها نسبت به سایر سازمان‌ها کمتر است. همچنین مدیرانی که در شرکت تحت مدیریت خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند، معمولاً از پذیرش انتخاب‌های پرریسک خودداری می‌کنند. در نتیجه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و اجتناب از تصمیم‌های پرریسک، موجب کاهش نیاز به هزینه‌های نظارتی از جمله حق الزحمه حسابرسی می‌شود.

چن و همکاران^۲ (۲۰۲۵)، طی پژوهشی با عنوان «واکنش حسابرسان به وثیقه‌گذاری سهام و سهامداران کنترل‌کننده: شواهدی از اظهار نظر و حق الزحمه حسابرسی» به این نتیجه رسیدند که در شرایطی که تأمین مالی از طریق وثیقه‌گذاری سهام توسط سهامداران عمده صورت می‌گیرد، حسابرسان حق الزحمه به‌مراتب کمتری مطالبه می‌کنند؛ در مقایسه با شرکت‌هایی که خودشان وثیقه تأمین مالی را فراهم می‌نمایند.

اِگبونیک و همکاران^۳ (۲۰۲۳)، در پژوهشی رابطه بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی را در کشور نیجریه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی (جریان نقدی عملیاتی غیرعادی، تولید غیرعادی) رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

الحمود و همکاران^۴ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه میان تمرکز مالکیت نهادی و هموارسازی سود واقعی در کشور اردن طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ پرداختند و یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که بین تمرکز مالکیت نهادی و هموارسازی سود رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

آلوز^۵ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مالکیت اعضای هیئت‌مدیره و حق الزحمه حسابرسی در کشور اسپانیا و پرتغال طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۱ پرداخته و به این نتیجه رسید که بین مالکیت اعضای هیئت‌مدیره و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

تکسیرا و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و هموارسازی سود در کشور برزیل طی سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۱ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین شاخص‌های ساختار مالکیت همچون، مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و مالکیت اعضای هیئت‌مدیره با هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.

ژو و همکاران^۶ (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین پایداری سود و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۹ پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بین پایداری سود و حق الزحمه غیرعادی حسابرس رابطه معنادار و منفی وجود دارد. این بدان معنی است با افزایش پایداری سود، حق الزحمه غیرعادی حسابرس کاهش پیدا می‌کند.

1. Jensen & Meckling

2. Chan et al

3. Egbunike et al

4. Alhmoode et al

5. Alves

6. Zhou et al

نامداری و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی رابطه میان ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که با افزایش درصد مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی احتمال وقوع مدیریت سود کاهش می‌یابد.

بهمنی و نظام طاهری (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین هموارسازی سود و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود مبتنی بر هر دو معیار تغییرهای سود خالص و ارقام تعهدی بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌ها تأثیر معنادار دارد. به عبارت دیگر سود با تغییرهای کمتر (کیفیت بالاتر سود) و نیز پایین بودن نوسان ارقام تعهدی در شرکت‌ها (بالاتر بودن کیفیت ارقام تعهدی)، کاهش میزان حق‌الزحمه دریافتی توسط حسابرسان را به دنبال داشته است.

ایزدیان (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین هموارسازی سود و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ پرداخت و به این نتیجه رسید که بین هموارسازی سود و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد که حسابرسان حق‌الزحمه حسابرسی کمتری را برای پوشش خطر افزایش دادرسی ناشی از استفاده از هموارسازی سود به عنوان یک رفتار گزارش دهی فرصت طلبانه در بورس تهران دریافت می‌کنند.

جامعی و کولی‌وند (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با افزایش مالکیت نهادی، نظارت بر شرکت بیشتر و حجم کار حسابرسی کمتر می‌شود و حق‌الزحمه کمتری به حسابرسان پرداخت می‌شود.

حسینی و برخورداری (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت مدیره و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که میان استقلال هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین تمرکز مالکیت با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه منفی و معنادار برقرار کرده است. افزون بر این بررسی‌ها نشان داد که تمرکز مالکیت نهادی تأثیری منفی و معنادار بر رابطه میان استقلال هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی دارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی رابطه وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: ساختار مالکیت بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی اول: مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی دوم: مالکیت اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی سوم: تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیرگذار است.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ می‌باشد. به‌منظور تعیین نمونه پژوهش، با در نظر گرفتن شرایط متغیرها از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌ها و شرایط تعیین‌شده، از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۰۱ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

معیارهای اعمال شده برای انتخاب شرکت‌های مورد بررسی در نگاره ۱، ارائه شده است:

نگاره ۱. نحوه انتخاب و استخراج نمونه آماری

تعداد شرکت	شرح
۴۲۵	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران قبل از سال ۱۳۹۵
(۷۸)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها و بیمه‌ها
(۵۲)	شرکت‌هایی با تغییر سال مالی در بازه زمانی پژوهش
(۶۹)	شرکت‌هایی با توقف معاملاتی بیش از شش ماه
(۷۱)	شرکت‌هایی که طی دوره ی پژوهش، از بورس خارج شده‌اند.
(۵۴)	شرکت‌های فاقد اطلاعات مالی در دسترس، در دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۱)
(۳۲۴)	تعداد کل شرکت‌های حذف شده از جامعه آماری
۱۰۱	تعداد شرکت‌های باقی مانده و مورد بررسی در پژوهش

در ادامه، با احتساب دوره زمانی هفت‌ساله پژوهش، مجموع داده‌های تلفیقی مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌ها، برابر با ۷۰۷ شرکت-سال بوده است.

گزینه در دسترس نبودن اطلاعات بیشتر به خاطر افشا نشدن شفاف حق الزحمه حسابرسی می‌باشد.

متغیرها و مدل پژوهش

متغیر مستقل: حق الزحمه غیرعادی حسابرس

حق الزحمه غیرعادی حسابرس، مطابق با پژوهش‌های ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹) و سایمونیک^۲ (۱۹۸۰)، از طریق باقیمانده رگرسیون مدل حق الزحمه عادی حسابرس برآورد می‌شود. این مدل توسط سایمونیک ارائه شده و در رابطه (۱) محاسبه می‌گردد.

$$LN_FEE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 LN_ASSETS_{i,t} + \alpha_2 INVREC_{i,t} + \alpha_3 LOSS_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \alpha_5 DE_{i,t} + \alpha_6 LIQ_{i,t} + \alpha_7 MTB_{i,t} + \alpha_8 AUDIT_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$LN_FEE_{i,t}$ = لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداخت شده به حسابرس

$LN_ASSETS_{i,t}$ = لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها

$INVREC_{i,t}$ = نسبت موجودی‌ها و حساب‌ها و اسناد دریافتی به مجموع دارایی‌ها

$LOSS_{i,t}$ = اگر شرکت در سال جاری زیان‌ده باشد، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر را به خود اختصاص خواهد داد.

$ROA_{i,t}$ = بازده دارایی‌ها (سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها)

$DE_{i,t}$ = نسبت کل بدهی بر کل حقوق صاحبان سهام

$LIQ_{i,t}$ = نسبت جاری (دارایی‌های جاری تقسیم بر بدهی‌های جاری)

$MTB_{i,t}$ = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

$AUDIT_{i,t}$ = در صورتی که حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی یا یکی از نهادهای دارای رتبه الف باشد، مقدار ۱ و در غیر

این صورت مقدار آن صفر خواهد بود.

$\varepsilon_{i,t}$ = باقی‌مانده مدل رگرسیون به‌عنوان حق الزحمه غیرعادی حسابرس

قدر مطلق باقی‌مانده‌های مدل بالا به‌عنوان شاخص حق الزحمه غیرعادی حسابرس در نظر گرفته می‌شود؛ به‌طوری‌که هرچه

مقدار آن بیشتر باشد، حق الزحمه غیرعادی حسابرس نیز بیشتر خواهد بود.

متغیر وابسته: هموارسازی سود

متغیر وابسته پژوهش، هموارسازی سود واقعی می‌باشد که برای اندازه‌گیری این متغیر، مطابق با روش کوهن و زاروین^۱ (۲۰۰۸)، از سه شاخص شامل جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، سطح تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی استفاده شده است. بطوریکه ابتدا با استفاده از روابط (۲) تا (۴)، باقی‌مانده‌های سه رابطه جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های اختیاری غیرعادی و هزینه‌های تولیدی غیرعادی محاسبه می‌گردد. سپس مشابه با پژوهش‌های قبلی مانند چوی و همکاران^۲ (۲۰۱۰) و زنگ^۳ (۲۰۱۲) با ترکیب سه متغیر یاد شده، یک متغیر جایگزین واحد که نشان دهنده سطح کلی هموارسازی سود واقعی است، ایجاد می‌شود.

$$\frac{CFO_{it}}{A_{i,t-1}} = K_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + K_2 \left(\frac{Sales_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + K_3 \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

$$\frac{PRO_{it}}{A_{i,t-1}} = K_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + K_2 \left(\frac{Sales_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + K_3 \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + K_4 \left(\frac{\Delta Sales_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

$$\frac{DEXP_{it}}{A_{i,t-1}} = K_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + K_2 \left(\frac{Sales_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

CFO_{it} = وجه نقد حاصل از عملیات شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$ = کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$Sales_{it}$ = فروش شرکت i در سال t

$\Delta SALES_{i,t}$ = تغییر فروش شرکت i در سال t

$\Delta SALES_{i,t-1}$ = تغییر فروش شرکت i در سال $t-1$

PRO_{it} = هزینه‌های تولیدی شرکت i در سال t (مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییرهای موجودی کالا)

$DEXP_{it}$ = هزینه‌های اختیاری شرکت i در سال t (هزینه‌های عمومی، اداری و فروش)

$SALES_{i,t-1}$ = فروش شرکت i در سال $t-1$

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، باقی‌مانده‌های (۲)، (۳) و (۴) به ترتیب به‌عنوان شاخص‌های جریان نقدی غیرعادی، تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی در نظر گرفته شده‌اند.

پس از محاسبه متغیرهای مذکور، در هر سالی که باقی‌مانده شرکت (حداقل در یکی از سه مدل به‌صورت جداگانه) از مقدار میانه بیشتر باشد، آن شرکت در آن سال مشکوک به هموارسازی سود تلقی شده و عدد یک به آن تخصیص یافته است؛ در غیر این صورت، مقدار صفر منظور شده است.

به‌عبارت دیگر، چنانچه شرکتی در یک سال مالی، حداقل در یکی از سه شاخص مورد بررسی، اقدام به هموارسازی سود کرده باشد، آن شرکت در سال مذکور مشکوک به هموارسازی سود واقعی تلقی شده و بر همین اساس، متغیر مجازی مربوطه تعریف گردیده است.

متغیر تعدیل‌گر: ساختار مالکیت

برای اندازه‌گیری ساختار مالکیت از سه شاخص به شرح زیر استفاده شده است:

مالکیت نهادی: درصد سهام در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی شرکت که از طریق تقسیم تعداد سهام در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی (بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، دولت و نهادهای دولتی و نیمه دولتی و کلا سهامداران حقوقی) بر کل سهام منتشر شده شرکت محاسبه می‌شود.

مالکیت مدیریتی: این متغیر از طریق تقسیم سهام نگهداری شده هیئت‌مدیره، بر کل سهام شرکت در هر دوره، محاسبه می‌شود. این شاخص نقش نظارتی در سازمان ایفاء می‌کند به طوری که افزایش مالکیت مدیریتی با افزایش مکانیزم‌های نظارتی همراه است. از سوی دیگر، افزایش بیش از حد این شاخص موجب جبهه‌گیری مدیریتی شده و برای منافع سهامداران زیان بار است.

1. Cohen & Zarowin
2. Choi et al
3. Zang

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی با...

تمرکز مالکیت: در این پژوهش برای محاسبه تمرکز مالکیت از شاخص هرفیندال - هیرشمن و برای درصد مالکیت بزرگتر و مساوی ۵ درصد اندازه گیری خواهد شد. این شاخص در رابطه (۵) نشان داده شده است:

$$HHI = \sum_{i=1}^N (SHARE_i)^2 \quad (5)$$

در این رابطه، $SHARE_i$ نشان دهنده درصد مالکیت واحد i ام از کل مالکیت شرکت است.

متغیرهای کنترل: در این پژوهش مطابق پژوهش های اِگبونیک و همکاران (۲۰۲۳) از متغیرهای کنترلی زیر به منظور کنترل پیامدهای متغیر وابسته هموارسازی سود واقعی استفاده می شود.

اندازه شرکت: در این پژوهش از لگاریتم طبیعی کل دارایی ها برای اندازه گیری متغیر اندازه شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی: در واقع این نسبت تعیین می کنند که شرکت تا چه حد نیازهای مالی خود را از منابع دیگران تامین نموده است. اهرم مالی از تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی های شرکت بدست می آید.

استقلال هیئت مدیره: برای اندازه گیری استقلال هیئت مدیره، از نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره

استفاده می شود؛ نسبتی که از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف بر تعداد کل اعضا بدست می آید.

منظور از عضو غیرموظف هیئت مدیره، عضوی است که در شرکت، سمت اجرایی نداشته باشد (مهدوی و کرمانی، ۱۳۹۴).

بازده دارایی ها: بازده دارایی ها از تقسیم سود قبل از کسر مالیات تقسیم بر کل دارایی ها بدست می آید. افزایش درآمد احتمال

افزایش هموارسازی سود را افزایش می دهد.

برای آزمون فرضیه اصلی اول و دوم به ترتیب از رابطه (۶) و (۷) استفاده می شود.

$$RES_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AB_FEE_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 B_INDE_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

$RES_{i,t}$: هموارسازی سود واقعی

$AB_FEE_{i,t}$: حق الزحمه غیرعادی حسابرِس

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی

$B_INDE_{i,t}$: استقلال هیئت مدیره

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی ها

مدل فرضیه دوم

$$RES_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AB_FEE_{it} + \alpha_2 INST_{it} + \alpha_3 INST_{it} * AB_FEE_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 B_INDE_{it} + \alpha_7 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (7)$$

$INST_{i,t}$: مالکیت سرمایه گذاران نهادی

در الگوی رگرسیونی فوق ضریب α_1 رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی و ضریب α_2

رابطه بین مالکیت سرمایه گذاران نهادی با هموارسازی سود واقعی و ضریب α_3 تأثیر مالکیت سرمایه گذاران نهادی بر رابطه بین

حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی شرکت های نمونه آماری را نشان می دهد.

یافته های پژوهش

میانگین متغیر حق الزحمه غیرعادی حسابرِس برابر با ۰/۴۹۶ بوده است که بیانگر تمرکز نسبی داده ها پیرامون این مقدار

می باشد. همچنین میانه به عنوان یکی دیگر از شاخص های مرکزی، تصویر دقیق تری از وضعیت پراکندگی داده ها در جامعه

آماري ارائه می دهد. میانه این متغیر برابر با ۰/۴۲۷ می باشد؛ یعنی نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از آن

بوده اند.

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	میان	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
AB_FEE	۷۰۷	۰/۴۹۶	۰/۴۲۷	۰/۳۷۹	۰/۰۰۱	۲/۱۰۹
INST	۷۰۷	۰/۵۹۴	۰/۶۹۵	۰/۲۹۱	۰/۰۳۰	۰/۹۸۰
MGO	۷۰۷	۰/۶۶۱	۰/۷۱۱	۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	۰/۹۸۳
CENT	۷۰۷	۰/۳۶۸	۰/۳۷۰	۰/۱۶۵	۰/۰۵۷	۰/۸۲۵
SIZE	۷۰۷	۱۵/۳۱۰	۱۵/۲۳۷	۱/۳۹۷	۱۱/۴۰۷	۲۰/۱۹۰
LEV	۷۰۷	۰/۵۱۲	۰/۵۱۲	۰/۱۹۹	۰/۰۵۷	۱/۲۶۹
ROA	۷۰۷	۰/۲۰۵	۰/۱۸۱	۰/۱۷۳	-۰/۲۷۰	۰/۷۲۳
B_INDE	۷۰۷	۰/۶۹۲	۰/۸۰۰	۰/۱۵۶	۰/۲۰۰	۱

به‌طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیارهایی برای سنجش میزان فاصله داده‌ها از یکدیگر یا از مقدار میانگین هستند. از مهم‌ترین این پارامترها، انحراف معیار است. مقدار پراکندگی برای متغیر اندازه شرکت برابر با ۱/۳۹۷ و برای استقلال هیئت‌مدیره ۰/۱۵۶ گزارش شده است؛ بنابراین در بین متغیرهای پژوهش، اندازه شرکت دارای بیشترین و استقلال هیئت‌مدیره دارای کمترین میزان پراکندگی است. مینیمم و ماکزیمم نیز به‌ترتیب نشان‌دهنده کمترین و بیشترین مقدار مشاهده‌شده از هر متغیر در جامعه آماری هستند. برای نمونه، مقدار مینیمم و ماکزیمم متغیر اندازه شرکت، به‌ترتیب برابر با (۱۱/۴۰۷ و ۲۰/۱۹۰) گزارش شده است. این امر بیانگر آن است که متغیر اندازه شرکت در بازه‌ای بین این دو مقدار تغییر کرده و در همین دامنه نوسان داشته است. علت اینکه ماکزیمم اهرم مالی بزرگتر از یک می‌باشد این است که بدهی‌های یک شرکت از دارایی‌های آن بیشتر بوده است و این زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت به دلیل وجود زیان انباشته، منفی باشد.

توزیع فراوانی متغیر هموارسازی سود واقعی

متغیر هموارسازی سود واقعی با دو مقدار صفر و یک تعریف شده است. نگاره ۳) توزیع فراوانی این متغیر را نشان می‌دهد:

نگاره ۳. نگاره فراوانی متغیر مجازی

هموارسازی سود واقعی			
متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۰	۱۳۹	۲۰	۲۰
۱	۵۶۸	۸۰	۱۰۰
کل	۷۰۷	۱۰۰	

طبق داده‌های پژوهش، نگاره ۳، نشان می‌دهد که از مجموع ۷۰۷ مشاهده مربوط به متغیر هموارسازی سود واقعی ۱۳۹ مورد دارای مقدار صفر و ۵۶۸ مورد دارای مقدار یک بوده‌اند.

آزمون هم خطی فرضیه‌های پژوهش

در اقتصادسنجی، هم‌خطی چندگانه زمانی به‌وجود می‌آید که میان دو یا چند متغیر توضیحی (مستقل) در یک مدل رگرسیون چندمتغیره، همبستگی بالایی وجود داشته باشد. در این زمینه همبستگی به‌معنای وجود رابطه‌ای خطی میان متغیرهای مستقل است. نوع و شدت هم‌خطی به میزان این همبستگی بستگی دارد. نتایج مربوط به بررسی هم‌خطی چندگانه در رابطه با فرضیه‌های پژوهش، در نگاره ۴، ارائه شده است.

نگاره ۴. آزمون هم خطی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم
متغیرها	VIF	VIF	VIF	VIF
۱	۱/۰۵۰	۳/۳۵۱	۱/۲۲۲	۲/۴۹۶
۲	۱/۱۸۶	۱/۹۵۸	۱/۶۱۶	۱/۵۸۹
۳	۱/۴۹۵	۳/۹۹۴	۳/۹۵۰	۲/۷۳۶
۴	۱/۵۷۸	۱/۱۹۳	۱/۱۹۱	۱/۲۱۰
۵	۱/۰۶۰	۱/۵۷۳	۱/۴۹۷	۱/۵۱۹
۶	-	۱/۵۷۸	۱/۵۸۰	۱/۵۸۶
۷	-	۱/۰۶۰	۱/۰۶۵	۱/۰۶۲

در مدل‌های بررسی شده، مقادیر شاخص تورم واریانس (VIF) برای تمامی متغیرهای پژوهش کمتر از ۱۰ بوده‌اند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که هم‌خطی چندگانه میان آنها وجود ندارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج نگاره ۵، نشان می‌دهد که ضریب تعیین مدل مربوط به این فرضیه برابر با ۰/۱۶ است. بر این اساس متغیرهای مستقل ۱۶ درصد از تغییرهای متغیر وابسته (هموارسازی سود واقعی) را توضیح می‌دهند. همچنین سطح معناداری آماره LR کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که این مدل در سطح اطمینان ۰/۹۰۵ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) رد شده و فرضیه مقابل (H_1) مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۰۵ تأیید می‌شود.

نگاره ۵. رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و هموارسازی سود واقعی

$RES_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AB_FEE_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 B_INDE_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیرها	ضرایب	میزان خطا	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۲۴۸	۰/۷۰۸	۳/۱۷۵	۰/۰۰۲
حق الزحمه غیرعادی حسابرِس	۱/۶۵۲	۰/۱۹۸	۸/۳۲۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۲۵	۰/۰۴۶	-۰/۵۳۹	۰/۵۹۰
اهرم مالی	-۰/۹۷۳	۰/۳۷۰	-۲/۶۳۱	۰/۰۰۹
استقلال هیئت‌مدیره	-۱/۴۶۱	۰/۴۳۶	۳/۳۴۸	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	-۰/۷۱۶	۰/۴۴۹	-۱/۵۹۳	۰/۱۱۱
ضریب تعیین مک فادن	آماره LR	سطح معناداری LR		
۰/۱۶۰	۱۱۲/۶۹۳	۰/۰۰۰		

براساس نتایج نگاره ۵، درباره متغیرهای کنترلی نیز مشاهده می‌شود که بین اهرم مالی و استقلال هیئت‌مدیره با هموارسازی سود واقعی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری متغیرهای مذکور کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) مربوط به این فرضیه‌ها رد شده و فرضیه مقابل (H_1) تأیید می‌شود. این بدان معنی است، اهرم مالی و استقلال هیئت‌مدیره عواملی تعیین کننده در هموارسازی سود واقعی می‌باشند.

آزمون فرضیه دوم

نتایج ارائه شده در نگاره ۶ نشان می‌دهد که ضریب تعیین مدل مربوط به این فرضیه برابر با ۰/۱۹ است؛ به این معنا که ۱۹ درصد از تغییرهای متغیر وابسته (هموارسازی سود واقعی) توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. همچنین با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برای آماره LR، این مدل از نظر آماری در سطح اطمینان ۰/۹۰۵ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

نگاره ۶. تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و هموارسازی سود واقعی

$$RES_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AB_FEE_{it} + \alpha_2 INST_{it} + \alpha_3 INST_{it} * AB_FEE_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 B_INDE_{it} + \alpha_7 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	ضرایب	میزان خطا	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۴۶۱	۰/۷۴۲	۳/۳۱۵	۰/۰۰۱
حق الزحمه غیرعادی حسابرسان	۲/۱۷۸	۰/۳۲۲	۶/۷۶۸	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	-۰/۵۵۸	۰/۲۶۴	-۲/۱۱۸	۰/۰۳۴
مالکیت نهادی * حق الزحمه غیرعادی حسابرسان	-۱/۰۱۵	۰/۴۲۲	-۲/۴۰۴	۰/۰۱۶
اندازه شرکت	۰/۰۱۶	۰/۰۴۷	-۰/۳۳۸	۰/۷۳۶
اهرم مالی	-۰/۷۸۳	۰/۳۸۸	-۲/۰۲۱	۰/۰۴۳
استقلال هیئت‌مدیره	-۱/۴۶۹	۰/۴۴۶	-۳/۲۹۴	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	۰/۸۴۹	۰/۴۶۳	-۱/۸۳۳	۰/۰۶۷
ضریب تعیین مک فادن	LR	آماره	سطح معناداری	LR
	۰/۱۹۱	۱۳۴/۵۶۵		۰/۰۰۰

نتایج نگاره ۶، نشان می‌دهد که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و هموارسازی سود واقعی تأثیر معنادار و منفی دارد. با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری متغیر مذکور برابر با ۰/۰۱۶ و کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) رد شده و فرضیه مقابل (H_1) مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به ضریب منفی این متغیر می‌توان دریافت با افزایش مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه مثبت بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و هموارسازی سود واقعی تضعیف می‌شود. پس فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای کنترلی (اهرم مالی) و (استقلال هیئت‌مدیره) با هموارسازی سود واقعی، رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) رد شده و در مقابل، فرضیه مقابل (H_1) تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه سوم

طبق نتایج نگاره ۷، ضریب تعیین مدل مربوط به این فرضیه ۰/۱۹ گزارش شده است. این مقدار نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از تغییرهای متغیر وابسته (هموارسازی سود واقعی) توسط متغیرهای مستقل تبیین شده‌اند. علاوه بر این، سطح معناداری آماره LR کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این مدل در سطح اطمینان ۰/۹۰۵ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

همچنین نتایج نگاره ۷، نشان می‌دهد که مالکیت اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و هموارسازی سود واقعی تأثیر معنادار و منفی دارد. با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری متغیر مذکور برابر با ۰/۰۲۵ و کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، در نتیجه، فرضیه صفر (H_0) رد و فرضیه مقابل (H_1) تأیید می‌شود. با توجه به ضریب منفی این متغیر افزایش مالکیت اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌های مورد بررسی موجب تضعیف رابطه مثبت بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و هموارسازی سود واقعی می‌شود. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۰۵ تأیید می‌شود.

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی با...

نگاره ۷. تأثیر مالکیت اعضای هیئت مدیره بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی

$$RES_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AB_FEE_{it} + \alpha_2 MGO_{it} + \alpha_3 MGO_{it} * AB_FEE_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 B_INDE_{it} + \alpha_7 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	ضرایب	میزان خطا	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۴۰۷	۰/۷۲۸	۳/۳۰۴	۰/۰۰۱
حق الزحمه غیرعادی حسابرس	۱/۹۵۱	۰/۲۷۵	۷/۰۸۵	۰/۰۰۰
مالکیت اعضای هیئت مدیره	-۱/۰۵۶	۰/۴۲۷	-۲/۴۷۶	۰/۰۱۳
مالکیت اعضای هیئت مدیره * حق الزحمه غیرعادی حسابرس	-۱/۱۹۶	۰/۵۳۳	-۲/۲۴۲	۰/۰۲۵
اندازه شرکت	-۰/۰۱۰	۰/۰۴۷	-۰/۲۰۴	۰/۸۳۹
اهرم مالی	۰/۸۵۲	۰/۳۷۹	-۲/۲۴۷	۰/۰۲۵
استقلال هیئت مدیره	-۱/۴۲۶	۰/۴۴۵	-۳/۲۰۷	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	۰/۶۵۳	۰/۴۵۴	۱/۴۳۶	۰/۱۵۱
ضریب تعیین مک فادن		آماره LR		سطح معناداری LR
	۰/۱۹۰	۱۳۳/۳۸۲		۰/۰۰۰

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان دو متغیر کنترلی، یعنی اهرم مالی و استقلال هیئت مدیره، با هموارسازی سود واقعی، رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) رد شده و فرضیه مقابل (H_1) تأیید می‌شود. این بدان معنی است، اهرم مالی و استقلال هیئت مدیره عواملی تعیین کننده در هموارسازی سود واقعی می‌باشند.

آزمون فرضیه چهارم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم در نگاره (۸) ارائه شده‌اند.

نگاره ۸. تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی

$$RES_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AB_FEE_{it} + \alpha_2 CENT_{it} + \alpha_3 CENT_{it} * AB_FEE_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 B_INDE_{it} + \alpha_7 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	ضرایب	میزان خطا	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۶۸۴	۰/۷۶۱	۳/۵۲۷	۰/۰۰۰
حق الزحمه غیرعادی حسابرس	۲/۵۲۱	۰/۳۸۹	۶/۴۸۸	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	-۰/۷۱۷	۰/۳۴۶	-۲/۰۷۴	۰/۰۳۸
تمرکز مالکیت * حق الزحمه غیرعادی حسابرس	-۱/۳۸۳	۰/۵۰۵	-۲/۷۳۷	۰/۰۰۶
اندازه شرکت	-۰/۰۲۵	۰/۰۴۶	-۰/۵۲۹	۰/۵۹۷
اهرم مالی	-۰/۹۷۱	۰/۳۷۸	-۲/۵۶۹	۰/۰۱۰
استقلال هیئت مدیره	-۱/۳۲۱	۰/۴۵۴	-۲/۹۰۷	۰/۰۰۴
بازده دارایی‌ها	-۰/۶۶۹	۰/۴۵۷	-۲/۴۶۳	۰/۱۴۴
ضریب تعیین مک فادن		آماره LR		سطح معناداری LR
	۰/۱۹۷	۱۳۸/۳۷۱		۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های نگاره ۸، ضریب تعیین مدل در آزمون این فرضیه برابر با ۰/۱۹ گزارش شده است؛ به این معنا که ۱۹ درصد از تغییرهای متغیر وابسته (هموارسازی سود واقعی) توسط متغیرهای مستقل تبیین شده‌اند.

همچنین با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برای آماره LR، می‌توان نتیجه گرفت که مدل در سطح اطمینان ۰/۹۰۵ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

نتایج نگاره ۸، نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر معنادار و منفی دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری این متغیر برابر با ۰/۰۰۶ و کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) رد شده و فرضیه مقابل (H_1) تایید می‌شود.

با توجه به ضریب منفی این متغیر می‌توان دریافت با افزایش تمرکز مالکیت در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه مثبت بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تضعیف می‌شود. پس فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان دو متغیر کنترلی، یعنی اهرم مالی و استقلال هیئت‌مدیره، با هموارسازی سود واقعی، رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر (H_0) رد شده و فرضیه مقابل (H_1) تایید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، رابطه میان حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی با تأکید بر نقش ساختار مالکیت، در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۰۱ شرکت از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS و EViews انجام شده است.

- در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی شرکت‌ها پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار میان حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی است. این بدان معنی است سطح هموارسازی سود واقعی در شرکت‌هایی که حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس در آن بیشتر است، بالاتر می‌باشد.

- در فرضیه دوم پژوهش به بررسی تأثیر مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر معنادار و منفی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر دارد، رد نمی‌شود. با توجه به ضریب منفی این متغیر می‌توان دریافت با افزایش مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه مثبت بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تضعیف می‌شود.

- در فرضیه سوم پژوهش به بررسی تأثیر مالکیت اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان داد مالکیت اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر معنادار و منفی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه مالکیت اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر دارد، رد نمی‌شود. با توجه به ضریب منفی این متغیر می‌توان دریافت با افزایش مالکیت اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه مثبت بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تضعیف می‌شود.

- در فرضیه چهارم پژوهش به بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش نشان داد تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر معنادار و منفی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تأثیر دارد، رد نمی‌شود. با توجه به ضریب منفی این متغیر می‌توان دریافت با افزایش تمرکز مالکیت در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه مثبت بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی تضعیف می‌شود. درباره متغیرهای کنترلی هم نتایج نشان داد؛ بین اهرم مالی و استقلال هیئت‌مدیره با

رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی با...

هموارسازی سود واقعی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. این بدان معنی است، اهرم مالی و استقلال هیئت‌مدیره عواملی تعیین کننده در هموارسازی سود واقعی می‌باشند.

۱. با توجه به معناداری رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و هموارسازی سود واقعی شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود سرمایه گذاران در زمان تصمیم‌گیری، هموارسازی سود واقعی شرکت‌ها را به عنوان یک عامل تعیین کننده در میزان حق الزحمه غیرعادی حسابرس در نظر داشته باشند.

۲. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که هنگام تصمیم‌گیری، مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و تمرکز مالکیت را به عنوان ابزاری برای کاهش هموارسازی سود در نظر داشته و سرمایه‌گذاری‌های خود را بیشتر به سمت و سوی شرکت‌هایی ببرند که در ساختار مالکیت آنها مالکان نهادی و تمرکز مالکیت بیشتر باشد. همچنین به مسئولان توصیه می‌شود که شرایط حضور سرمایه‌گذاران نهادی و تمرکز آنها را در بازار سرمایه فراهم آورند و به سایر گروه‌های ذینفع پیشنهاد می‌شود در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تامین مالی شرکت‌ها به مالکیت سرمایه‌گذاران ذکر شده به عنوان ناظران آگاه بر فعالیت‌های مدیریت، توجه نمایند.

۳. از آنجایی که طبق پژوهش‌های انجام شده و تئوری‌های موجود، با افزایش سهم مالکیت مدیر، انگیزه وی برای حفاظت از منافع شرکت بیشتر می‌شود، پیشنهاد می‌شود که با افزایش درصد مالکیت مدیر و نیز اعطای دیگر مزایا به وی، از افزایش هزینه‌های نمایندگی جلوگیری شود. بدیهی است که با انجام این اقدام‌ها و شناخت سایر عوامل اثرگذار بر حق الزحمه حسابرسی و کنترل آن عوامل توسط سهامداران، می‌توان با پرداخت هزینه‌های کمتر، اقدام به حسابرسی در شرکت نمود.

منابع

- ایزدیان، علیرضا. (۱۴۰۱). هموارسازی سود و حق الزحمه حسابرسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سبزوار. بختیاری، امیرمحمد، جلالی، محدثه بیگم، براتی، سعید، و میرعرب رضی، شیما. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر مالکیت بلوکی و نهادی بر سیاست‌های نگهداری وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی*، ۳(۹)، ۱۲۳-۱۳۹. [doi: 10.71600/jacgr.2024.1129569](https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1129569)
- براتی، لیلیا، و حیدرزاده، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر هموارسازی سود و شفافیت اطلاعات مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۰(۳۹)، ۵۱-۶۸.
- بندریان، امیرعلی، و عسجری، علیرضا. (۱۴۰۴). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی اثربخش بر مدیریت سود فرصت‌طلبانه ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۸(۱۰۰)، ۳۳-۵۴.
- بهمنی، مریم، و نظام‌طاهری، سعیده‌سادات. (۱۴۰۲). هموارسازی سود و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها. *فصلنامه علمی کارافن*، ۲۰(۶۳)، ۵۶۵-۵۸۵.
- جامعی، رضا، و کولی‌وند، زهره. (۱۴۰۰). بررسی رابطه مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر رابط‌های سیاسی. *دانش حسابداری*، ۱۲(۱)، ۱۵۹-۱۷۲. [doi: 10.22103/jak.2021.14837.3107](https://doi.org/10.22103/jak.2021.14837.3107)
- جنتی‌فر، بهروز، بیطاری، آرتین، همت‌فر، محمود، و قربانیان، محمدرضا. (۱۴۰۵). تحلیل عوامل مؤثر بر تعیین حق الزحمه حسابرسی شرکت با توجه به تبعیض قیمت بین مشتریان بخش خصوصی و عمومی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۵(۴)، ۲۹۵-۳۰۹. [doi: 10.22034/jmaak.2026.24085](https://doi.org/10.22034/jmaak.2026.24085)
- حسینی، محمد، و برخوردار، حمیده. (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی: تقابل دیدگاه‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۱)، ۳۲-۵۹. [doi: 10.22059/acctgrev.2020.275931.1008123](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2020.275931.1008123)

شاهزاده حمزه، الهه، و برهانی، سید عباس. (۱۴۰۳). تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین موضوع‌های کلیدی حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی*، ۳(۹)، ۱۰۷-۱۲۱. [doi: 10.71600/jacgr.2024.1196844](https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1196844)

عابدی صدقیانی، بابک، و کیانی، علی. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر حق‌الزحمه حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس و اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی*، ۳(۹)، ۴۵-۶۴. [doi: 10.71600/jacgr.2024.1192977](https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1192977)

عمادی، سید جواد، و خمیس‌آبادی، زینب. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکت‌های خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت عملیات خدمات*، ۱(۲)، ۱۸-۳۳.

مهدوی، غلامحسین، و کرمانی، احسان. (۱۳۹۴). تأثیر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت گزارش‌گری مالی در بورس اوراق بهادار تهران. *راهبرد مدیریت مالی*، ۳(۴)، ۱-۲۶. [doi: 10.22051/jfm.2016.2343](https://doi.org/10.22051/jfm.2016.2343)

مهرانی، ساسان، و جمشیدی‌اوانکی، کوروش. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تعیین حق‌الزحمه حسابرسی. *فصلنامه حسابدار رسمی*، ۱۳، ۶۰-۷۷.

نامداری، محسن، فلاح، شمس میرفیض، کردلویی، حمیدرضا، خان‌محمدی، محمد حامد، و احمدی، فائق. (۱۴۰۲). ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی: شناخت اثرات متقابل هم‌زمان. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۱۶(۶۱)، ۲۲۹-۲۵۲.

[doi: 10.22034/jse.2022.11851.1898](https://doi.org/10.22034/jse.2022.11851.1898)

Abad, D., Sánchez-Ballesta, J. P., & Yagüe, J. (2017). Audit opinions and information asymmetry in the stock market. *Accounting & Finance*, 57(2), 565–595. <https://doi.org/10.1111/acfi.12175>

Abedi Sadeghiani, B., & Kiani, A. (2024). Investigating the impact of accounting comparability on audit fees and audit report delay in Tehran Stock Exchange listed companies. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(9), 45–64. <https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1192977> (In Persian).

Alhmoed, M., Shaari, H., Al-Dhamari, R., & Sani, A. A. (2023). Does ownership concentration matter for the relationship between CEO characteristics and real earnings management: Evidence from Jordan. *EuroMed Journal of Business*, 19(4), 752–780. <https://doi.org/10.1108/EMJB-09-2022-0155>

Alves, S. (2023). The impact of managerial ownership on audit fees: Evidence from Portugal and Spain. *Cogent Economics & Finance*, 11 (1), 1–23. <https://doi.org/10.1080/23322039.2022.2163078>

Bahmani, M., & Nezam-Taheri, S. S. (2023). Income smoothing and audit fees of companies. *Karafan Scientific Quarterly*, 20(63), 565–585. Retrieved from <https://www.magiran.com/p2680917> (in Persian).

Bakhtiari, A. M., Jalali, M. B., Barati, S., & Mirarab Razi, Sh. (2024). Investigating the effect of block and institutional ownership on cash holding policies in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(9), 123–139. <https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1129569> (in Persian).

Bandarian, A., & Aschari, A. (2025). The impact of audit committee characteristics and effective corporate governance on opportunistic earnings management through reclassification of income statement items in Tehran Stock Exchange. *Cheshmandaz-e Hesabdari va Modiriati Journal of Accounting and Management Vision*, 8(100), 33–54. https://www.jamv.ir/article_226278.html (in Persian).

Barati, L., & Heidarzadeh, A. (2021). The effect of income smoothing and financial information transparency on stock price crash risk. *Danesh-e Sarmayegozari (Investment Knowledge)*, 10(39), 51–68. Retrieved from <https://sanad.iau.ir/fa/Journal/jik/Issue/38657> (in Persian).

- Chan, K. H., Jiang, E. J., Mo, P. L. L., & Zhang, H. (2025). Auditors' response to controlling shareholders' share pledging: Evidence from audit opinions and audit fees. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 44 (1), 27–53. <https://doi.org/10.2308/AJPT-2022-138>
- Choi, J., Kim, J., & Zang, Y. (2010). Do abnormally high audit fees impair audit quality? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(2), 115–140. <https://doi.org/10.2308/aud.2010.29.2.115>
- Cohen, D., & Zarowin, P. (2008). Economic consequences of real and accrual-based earnings management activities. *The Accounting Review*, 83 (3), 757–787. <https://doi.org/10.2308/accr.2008.83.3.757>
- Egbunike, C. F., Igbinovia, I. M., Okafor, K. J., & Mmadubuobi, L. C. (2023). Residual audit fee and real income smoothing: Evidence from quoted non-financial firms in Nigeria. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(1), 66–79. <https://doi.org/10.1108/AJAR-01-2022-0006>
- Emadi, S. J., & Khamisabadi, Z. (2019). Investigating the factors affecting earnings smoothing in service companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Service Operations Management*, 1(2), 18–33. Retrieved from <https://www.magiran.com/p2018463> (In Persian).
- Fan, J. P. H., & Wong, T. J. (2002). Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3), 401–425. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(02\)00047-2](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(02)00047-2)
- Gunny, K. A. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 855–888. <https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2010.01029.x>
- Hassani, M., & Barkhordari, H. (2020). The effect of institutional ownership concentration on the relationship between board independence and audit fees: A contrast of supply and demand perspectives. *Accounting and Auditing Reviews*, 27 (1), 32–59. <https://doi.org/10.22059/acctgrev.2020.275931.1008123> (in Persian).
- Hribar, P., Kravet, T., & Wilson, R. (2014). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Review of Accounting Studies*, 19 (1), 506–538. <https://doi.org/10.1007/s11142-013-9253-8>
- Izadian, A. (2022). *Income smoothing and audit fees* [Master's thesis, Islamic Azad University, Sabzevar Branch]. (in Persian).
- Jamei, R., & Kolivand, Z. (2021). Investigating the relationship between institutional ownership and audit fees with emphasis on political connections. *Accounting Knowledge*, 12(1), 159–172. Retrieved from https://jak.uk.ac.ir/article_2791.html (in Persian).
- Jannatifar, B., Bitadari, A., Hemmatfar, M., & Ghorbanian, M. R. (2025). Analysis of factors influencing corporate audit fee determination considering price discrimination between private and public sector clients. *Danesh Journal of Accounting and Auditing Management*, 15(4), 295–309. https://www.jmaak.ir/article_24085.html (in Persian).
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
- Krishnan, J., Sami, H., & Zhang, Y. (2005). Does the provision of non-audit services affect investor perceptions of auditor independence? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24(2), 111–135. <https://doi.org/10.2308/aud.2005.24.2.111>
- Kushwaha, N. N., Anand, A., Jayadev, M., & Raghunandan, K. (2025). Related party transactions and auditor fees. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 44(3), 155–175. <https://doi.org/10.2308/AJPT-2022-086>
- Mahdavi, G., & Kermani, E. (2015). The effect of board independence on the relationship between information asymmetry and financial reporting quality in Tehran Stock Exchange.

- Strategic Financial Management Journal*, 3(4), 1-26. <https://doi.org/10.22051/jfm.2016.2343> (In Persian).
- Mehrani, S., & Jamshidi Avanaki, K. (2011). Factors affecting the determination of audit fees. *Hesabdar-e-Rasmi Quarterly*, 13. (in Persian).
- Musah, A., Okyere, B., & Boakye, E. A. (2021). The effect of ownership structures on audit fees of listed firms in Ghana. *Journal of Accounting and Investment*, 22(2), 392–409. <https://doi.org/10.18196/jai.v22i2.11337>
- Namdari, M., Fallah Shams, Sh. M., Kordlouei, H. R., Khan Mohammadi, M. H., & Ahmadi, F. (2023). Ownership structure, audit quality, and real earnings management: Identifying simultaneous interaction effects. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 16(61), 229–252. <https://doi.org/10.22034/jse.2022.11851.1898> (in Persian).
- Shahzadeh Hamzeh, E., & Borhani, S. A. (2024). The impact of board characteristics on the relationship between key audit matters and audit fees. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(9), 107–121. <https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1196844> (in Persian).
- Shan, Y. G., Troshani, I., & Tarca, A. (2019). Managerial ownership, audit firm size, and audit fees: Australian evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 35, 18–36. <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2019.05.002>
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *Journal of Finance*, 52(2), 737–783. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1997.tb04820.x>
- Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18 (1), 161–190. <https://www.jstor.org/stable/2490397>
- Teixeira, C., Valmorbidia, F. P., Mazzioni, S., Magro, C. B. D., & Soschinski, C. K. (2023). Influence of ownership structure on earnings smoothing in companies listed on B3. *Contextus – Contemporary Journal of Economics and Management*, 21, e85161. <https://doi.org/10.19094/contextus.2023.85161>
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87 (2), 675–703. <https://doi.org/10.2308/accr-10196>
- Zhang, Y. T., Xiong, Y., & Zeng, Z. H. (2019). Abnormal Audit Fees and Classified Transfer of Earnings Management: Economic Rent or Audit Cost. *Auditing Research*, 2, 82-90.
- Zhou, X., Lou, P., Wu, Y., & Zhang, L. (2022). Earnings persistence and abnormal audit fees. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2022, Article ID 2659939, 12 pages. <https://doi.org/10.1155/2022/2659939>